

و هستیم که ما از زمان خود ایران عقب هستیم، نه از زمان، بلکه از زمان خود ایران.

◀ زمان ایران، چگونه زمانی است و معنی آن چیست؟

در آن زمان این مسأله را مطرح کردم که ما باید نظام حکمرانی خود را نسبت به مختصات ایران، منابع آب، محیط زیست و جوانان ما بازتنظیم و تنظیم کنیم. گفتیم ما باید قابلیت سازی و ظرفیت سازی کنیم، چرا که بزرگترین هنر توسعه و بزرگترین نظام حکمرانی ظرفیت سازی است. این ایده مطرح بود و دنبال می شد که اگر در گام اول نمره خوبی آوردیم، در گام دوم باید دولت انطباق گر داشته باشیم، یعنی تمام رویه ها و شاخص های اجتماعی، فرهنگی و قضایی باید با دنیا انطباق داده شود. به عبارت دقیق تر، در گام دوم گفتیم باید با دنیا منطبق باشیم. اگر بخواهم با مثال توضیح دهم، منظور من این بود که فرض بر این بود که در برنامه اول یک تیم ملی درست کردم، حالا در گام دوم گفتیم باید این تیم ملی با دنیا مسابقه بدهد. در این مرحله یعنی گام دوم که شامل برنامه دوم می شد، گفتیم نوسازی قابلیت ها مدنظر باشد. در مرحله دوم دولت می بایست تقویت کننده عرصه آزادی برای مردم و بخش خصوصی باشد، تقویت کننده انسجام و اتحاد و سرمایه اجتماعی باشد و کثرت ها را پذیرا باشد. سرمایه بزرگی که داریم این است که متکثر هستیم، یعنی لر، کرد، ترک و بلوچ که همه ثروت ایران است. ما گفتیم این کثرت ها را به همگرایی بکشانیم. تفاوت قومیت ها را بشناسیم و این تفاوت ها را به انسجام تبدیل کنیم. در واقع بنا شد در برنامه پنجم، که همان

از پایان کارم در سازمان برنامه، چون پولی برای مسافرت نداشتم، خودروی شخصی خودم را فروختم و با یک تور گردشگری به سنگاپور رفتم تا از نزدیک ببینم که چه اتفاقی در آنجا افتاده است و آنان چگونه عمل کرده اند. وقتی به سنگاپور رفتم، دائماً به دیوارها، درخت ها، خیابان ها و ساختمان ها نگاه می کردم. بعد به موزه ای رفتم. در آن موزه یک نفر برایم شرح داد که در سال ۱۳۴۰ عهد بسته اند سنگاپور بدنام را به سنگاپور خوشنام تبدیل کنند. توضیح می داد که این سنگاپور نوین است. خود من که تاریخ خوانده بودم، اما بازدید از آن موزه آنقدر برای من دستاورد داشت که به همه گفتم بروید این موزه را ببینید که چگونه آن سنگاپور به این سنگاپور امروزی تبدیل شده است.

◀ گام اول در سند چشم انداز را تشریح کردید که می بایست به دولت پرداخته می شد و این هدفی بود که در برنامه چهارم دیده شد. گام های بعدی چه بود؟ من خدمت رهبری هم توضیح دادم که در گام اول، یعنی برنامه ۵ ساله اول مرتبط با سند چشم انداز، ما باید در نظام حکمرانی مان به دنبال ایجاد قابلیت نهادسازی، انضباط و امنیت، وفاق و انسجام باشیم. یعنی همگرا باشیم، بعد از آن گفتم در ۵ سال دوم دولتی را که در گام اول ساختیم، باید با زمان تطبیق دهیم. به این دلیل مطرح کردم که معتقد بودم

هرجا که توسعه شکل گرفته است مانند کره و تایوان، این توسعه با گفتمان، نظم و انضباط شروع شده است. آقای «لی» می خواست سنگاپور آلوده و دزدان دریایی را به عضویت اتحادیه مالزی در بیاورد، اما مالزی قبول نکرد. بعد تلاش کرد عضو اتحادیه پادشاهی انگلستان شود، انگلیسی ها هم قبول نکردند. پس از این مسأله آقای «لی» در یک سخنرانی در مقابل ۷ یا ۸ هزار نفر گریه می کند و می گوید که ما را به خاطر بدی های مان قبول نکردند. او می گوید ما باید خودمان را بسازیم. من می گویم آیا کشور من ایران، کمتر از سنگاپور آن موقع است؟ یک پروتکل و یک نظم، سنگاپور را که منفورترین مکان در کره زمین بود به یک شاخص در کره زمین تبدیل کرد. این گفتمان و نظم سنگاپور بود که آنان را به اینجا رساند. بعد



تنها چرخه ای که در این ۳۰۰ سال اخیر در دنیا کار کرده و کار خواهد کرد، چرخه ای است که در آن جامعه قوی و دولت هم قوی باشد و میان آنها بده بستان شکل بگیرد. سند چشم انداز برای ظهور این چرخه آخر پدیدار شد. به عبارت دیگر، سند چشم انداز برای این بود که در نهایت منجر شود به وضعیتی که در آن نظام یا بخش حکمرانی خود را درست و اصلاح و تنظیم کند و با قابلیت سازی، به بال دیگر یعنی جامعه پرو و بال بدهد